

معارف عصری در افغانستان

- 7 -

نویسنده: محمداکرام اندیشمند

معارف در سالهای جمهوریت محمداود:

وقتی سردار محمداود در هفدهم جولای 1973 (26 سرطان 1352 خورشیدی) با کودتای بدون خون ریزی به سلطنت پسر کاکایش محمدظاهرشاه پایان داد و با اعلان نظام جمهوریت زمام قدرت را در کشور بدست گرفت، در نخستین خط مشی خود از اصلاح معارف سخن گفت. او در بیست و سوم آگست 1979 (اول سنبله 1352) در بیانیه خطاب به مردم در مورد معارف اظهارداشت: «دولت جمهوری افغانستان بر پروگرام های معارف تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد. برای امحای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت، بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوا و با روحیه وطنپرستی و خدمت ب مردم پرورش خواهد داد. دولت تعلیمات ابتدایی عمومی و مجانی را برای تمام کودکان اعم از دختر و پسر از طریق بسط و توسعه مکاتب دولتی تأمین خواهد کرد. همچنان، زمینه های تعلیمات متوسطه و عالی را بمنظور پرورش کادر علمی آماده خواهد ساخت.» (123)

سردار محمداود بر خلاف دوران صدارت خویش که پلان های پنج ساله انکشافی را در عرصه های مختلف از جمله در عرصه ی انکشاف معارف مورد توجه و عمل قرار داد، پس از کودتا و احراز قدرت پلان پنج ساله چهارم انکشافی را که در سال 1971 در دهه دموکراسی طرح و تصویب شده بود، کنار گذاشت. او نخست در جهت برنامه های انکشافی دولت خویش پلانهای یکساله انکشافی را ایجاد کرد و سپس در سال 1975 پلان هفت ساله انکشافی را برای سالهای 1976 تا 1983 اعلان نمود.

تجدید نظر و اصلاحات در پروگرام های معارف که محمداودخان در نخستین خط مشی خود از آن سخن گفته بود در سال 1974 رویدست گرفته شد. این اصلاحات شامل تغییراتی در سیستم معارف کشور در دوره های مختلف تعلیمی به شرح زیر بود:

- 1- به تأمین بهتر سواد دایمی و به خاطر آماده ساختن فارغان دوره ابتدایی از نگاه قدرت جسمانی برای تعقیب تعلیمات ثانوی و با فراگرفتن کورسهای حرفوی و یا انتخاب شغل آزاد دوره ابتدایی از شش سال به هشت سال ارتقاء میابد.
- 2- به منظور استفاده از تعلیم و تربیه متکی به اصل کیفیت، سنین شش و هفت بحیث سنین شمول (به مکتب) تعیین شده است.
- 3- دوره متوسطه مورد تجزیه قرار گرفته صنوف هفتم و هشتم آن به دوره ابتدایی که هشت سال را دربر می گیرد افزود گردیده است.
- 4- در صنوف 7 و 8 دوره ابتدایی بر علاوه مضامین مربوط معلومات محیطی و حرفوی از نگاه نظر و عمل در نصاب تعلیمی گنجانیده میشود تا سوپیه آموزش آمیخته با کیفیت ارتقاء یابد.
- 5- فارغان دوره ابتدایی مطابق شرایط شمول ضرورت و سنجش قوای بشری از نگاه تعلیمات ثانوی عمومی مسلکی به اساس کانکور انتخاب می گردند.
- 6- یک تعداد شاگردان از جمله کاندیدهایی که در امتحان کانکور موفق نمی گردند نظر به ضرورت تابع کورس های حرفوی قصیرالمدت گردیده و متباقی شغل آزاد را اختیار

خواهند نمود. که این هردو کتگوری قشر پر ارزش کارگر با سواد ماهر و نیمه ماهر را تشکیل خواهند داد.

دوره ثانوی:

1- چون یک دوره ثانوی چهارساله نسبت به یک دوره سه ساله چه از نگاه کیفیت و چه از نگاه رسانیدن شاگردان به منظور کسب و فراگرفتن تعلیمات عمومی و مسلکی متوازن با نیازمندی قوای بشری در ساحات سکتور دولتی و خصوصی امر لازمی میباشد، بنام دوره ثانوی سه سال به یک دوره چهارساله با کیفیت ارتقاء می نماید. 2- در دوره ثانوی چهارساله اقلأ سال اخیر یعنی صنف 12 منحیت سال آمادگی به رشته های ساینس و اجتماعیات و به غرض تقویة مسلک در سراسر کشور تدریجاً منشعب میگردد.

3- برای رفع نیازمندی های کشور از نگاه قوای بشری متمرکک تعدادلیسه های عمومی بعد از سروی و مطالعه به صورت تدریجی به مکاتب مسلکی تعدیل می گردد.

4- دوره ثانوی مسلکی به صورت وسطی چهارسال را دربرمی گیرد، این دوره چهار ساله نظر به نوعیت و پروگرام و رشته های مسلکی زیاد و کم شده می تواند بعد از دوره ثانوی عمومی گذشتانیدن امتحان کانکور پوهنتون فارغان به دو دسته تقسیم می شود، یک تعداد آن به غرض تحصیلات عالی شامل پوهنتون و تعداد دیگر آن در مؤسسات عالی تربیة معلم جذب می گردند. همچنان فارغان مکاتب مسلکی بعد از تابع شدن به کانکور اختصاصی مسلکی یک تعداد آنها شامل پوهنزی (فاکولته) مسلکی شده و متباقی داخل کار می شوند. « (124)

در حالیکه معارف افغانستان در دوره ریاست جمهوری محمداود از لحاظ کمیت سیر رو به رشد داشت، اما اثرگذاری و نقش اصلاحات فوق الذکر در عرصه کیفیت معارف کشور از نکات قابل بحث و مورد اختلاف تحلیلگران و نویسندگان است. مؤلف افغانستان در پنج قرن اخیر جمهوریت محمداود را از نظر پیشرفت از دوره های عقیم و کم ثمر تلقی می کند: «درتاریخ معاصر افغانستان دوره پنجساله جمهوری محمداود خان از نظر پیشرفت و ترقی کشور یکی از دوره های عقیم و کم ثمر به شمار می رود. اگر تبدیل عنوان شاهی را به جمهوری که می توان از آن به تبدیل نظام مشروطه به نظام خودکامه نیز تعبیر کرد- کنار بگذاریم، در این دوره هیچگونه دگرگونی مثبتی در اوضاع کشور جلب توجه نمی نماید.» (125)

هرچند در جمهوریت محمداود به دموکراسی نوپا نقطه پایان گذاشته شد اما به نا آرامی و تظاهرات مزمن شاگردان و محصلان معارف به خصوص در پایتخت نیز پایان داده شد. در حالیکه این نارامی ها و تظاهرات در دهه دموکراسی معارف کشور را به ویژه در عرصه رشد کیفیت و ارتقای سوبه تعلیم و تحصیل به موانع و چالش های عمده کشانده بود. محمداودخان از دموکراسی دیدگاه و تلقی متفاوت و جداگانه داشت. او به یکی از افسران کودتاجی هوادار خود قبل از براندازی نظام سلطنت گفت: «دموکراسی به معنی تطبیق واقعی قانون در جامعه است.» (126)

اما نکته قابل بحث در اصلاحات معارف در دوره جمهوریت سردارمحمداود سیستم تعلیمات ابتدایی بود. تغیر در تعلیمات ابتدایی مبتنی بر ازدیاد سالهای تعلیمی از شش به هشت سال و ملزم بودن فارغان این دوره به امتحان کانکور، به نتایج ناگوار در سرنوشت آتی شاگردان انجامید. در نتیجه این تغیر بسیاری از شاگردانی که امتحان کانکور را با موفقیت پشت سر نمیگذاشتند از ادامه تعلیم و تحصیل در دوره های بعدی مکتب و در مؤسسات تعلیمی و تحصیلی محروم می شدند. شمولیت این شاگردان در کورس های کوتاه مدت حرفوی که در این تغیر پیشبینی گردیده بود، برنامه مؤثر و کارساز در مورد فارغان دوران ابتدایی هشت صنفه محسوب نمی شد. در واقع نه از موجودیت چنین کورس های کوتاه مدت حرفوی خبری بود که ظرفیت جذب شاگردان

ناموفق در کانکور دوران ابتدایی را داشته باشد و نه زمینه های جذب فارغان کورس ها در جامعه و در نهاد ها و ادارات دولتی برای کار وجود داشت. هرچند طرح تغییر در سیستم تعلیمات ابتدایی با ازدیاد دوسال تعلیمی و دوصنف و اخذ امتحان کانکور از فارغان دوره ابتدایی برای ادامه تعلیم، طرح بسیار عالی در معارف کشور محسوب می شد. از یکسو دوران ابتدایی مکتب به عنوان دوره تعلیمات اجباری برای اطفال از شش سال به هشت سال ارتقا میافت که که این امر در بهتر شدن سویده سواد مؤثر بود. از جانب دیگر در صورت موجودیت زمینه و امکانات تعلیم و تحصیل برای تمام فارغان صنوف هشتم بر مبنای نتایج امتحان کانکور و توانایی ذکاوت و قدرت آموزش آنها در سالهای دوران ابتدایی، معارف افغانستان بگونه اساسی و بنیادین از لحاظ کیفی متحول میگردد. ضعف و نادرستی در اصلاح و تغییر سیستم تعلیمات ابتدایی دوره جمهوریت محمدداود خان این بود که طراحان آن، سرنوشت و تکلیف شاگردان ناکام در امتحان کانکور فارغان دوره ابتدایی را در تداوم تعلیم و تحصیل که شمار شان به مراتب بیشتر از شاگردان موفق کانکور می بود، مورد عنایت جدی و دقیق قرار نداده بودند. سیستم تعلیمات ابتدایی هشت ساله و اخذ امتحان کانکور از فارغان این دوره برای ادامه تعلیم و تحصیل اکنون در برخی از کشورهای غربی به عنوان یک سیستم موفق و علمی مروج است. معارف هالند از کشورهای اروپای غربی از بهترین کشورهای مشمول این سیستم محسوب می شود. فارغان دوران ابتدایی مکاتب که هشت سال آموزش و تعلیم را هرچند از چهار سالگی پشت سر میگذارند، پس از سپری کردن امتحان شبیه به امتحان کانکور دوره جمهوریت محمدداود وارد دوره ثانوی تعلیم می شوند. این امتحان در معارف هالند به "سیتو تیست" معروف است. اما تفاوت عمده و بزرگ میان سیستم تعلیمات ابتدایی جمهوریت محمدداود و چنین سیستمی در هالند این بود که: در هالند فارغان دوران ابتدایی پس از سپری کردن "سیتو تیست" یا امتحان شبیه به امتحان کانکور صنوف هشتم دوره جمهوریت محمدداود با هرگونه نمره و نتیجه ای وارد دوران تعلیمات ثانوی در انواع مختلف مکاتب می شوند. این انواع مختلف مکاتب ثانوی شامل مکاتب متعدد و متفاوتی می شود که شاگردان فارغ دوران ابتدایی را برای مقاصد و اهداف مختلف از تعلیمات حرفوی و مسلکی تا تحصیلات عالی و تخصصی جذب و آماده می کنند. امتحان سیتو تیست دوران ابتدایی مکاتب هالند برخلاف امتحان کانکور مکاتب ابتدایی دوره جمهوریت محمدداود خان کامیابی و ناکامی ندارد. از یکطرف انواع مکاتب مختلف برای شاگردان فارغ دوران ابتدایی با هر سطح و سویده تعلیم و استعداد موجود است و از سوی دیگر ادامه تعلیم برای شاگردان تا سن هژده سالگی در کشور هالند اجباری میباشد که در واقع تمام سالهای دوران ثانوی مکتب را در بر می گیرد. در حالیکه در سیستم ابتدایی معارف در جمهوریت محمدداود خان هیچگاه چنین زمینه ای برای شاگردان فارغ دوران ابتدایی به خصوص شاگردان ناموفق در امتحان کانکور صنوف هشتم وجود نداشت. بنا براین، تغییر در سیستم تعلیمات ابتدایی و به ویژه استمرار تعلیم برای فارغان دوران ابتدایی مشروط به نتیجه امتحان کانکور این دوران آثار ناگوار و منفی را در معارف کشور بجا گذاشت. علی رغم تأثیر ناگوار این سیستم در دوره جمهوریت محمدداود، ایجاد چنین نظام تعلیمی که معارف کشور را بصورت سیستماتیک و بنیادین مسلکی و تخصصی بسازد و زمینه برای تعلیمات و تحصیلات برای تمام شاگردان در انواع مختلف مکاتب دوران ثانوی و بالاتر از آن مساعد شود، یک نیاز اساسی در جهت تحول کیفی معارف افغانستان است. اما علی رغم دیدگاه های متفاوت درمورد انکشاف عرصه های مختلف حیات اجتماعی افغانستان در دوره جمهوریت محمدداود و با وجود ضعف ها و کمبود های که در معارف این دوره وجود داشت، معارف از لحاظ کیفیت در مسیری بهتر از گذشته قرار گرفت. روند توسعه معارف در ولایات ادامه یافت. به شاگردان ممتاز و لایق مکاتب ولایات

فرصت مساعد بميان آمد تا براي آموزش و تحصيل به پايخت و مراکز عالي تحصيلي جذب شوند. در اين دوره به تخصصي و مسلکي ساختن معارف توجه گرديد. مکاتب و مؤسسات آموزشي در جهت تربيه شاگردان معارف بصورت مسلکي و تخصصي در بخش هاي مختلف تخنيک و زراعت ايجاد شد. بر مبنای گزارش وزارت معارف در سال 1974 ليسانسه زراعت ولايت فراه با ظرفيت سيصد شاگرد و مکتب تخنيک عالي کابل به ظرفيت هفتصد شاگرد تشکيل گرديد. در اين سال ليسانسه موزيک و انستيتوت تربيه معاون انجنير به سوويه صنف 14 در کابل ايجاد شد. همچنان در اين سال نود باب مکتب دهاتي، 25 باب مکتب ابتدائي تاسيس گرديد و 97 باب مکتب دهاتي به ابتدائي، 116 باب مکتب دهاتي يک معلمه به دو معلمه و 25 باب مکتب دهاتي دو معلمه به سه معلمه ارتقاء داده شد. شمار محصلين پوهنتون کابل در سال متذکره به 7798 تن مي رسيد که 742 تن آنان را دختران تشکيل مي دادند. تعداد استادان در پوهنتون به 639 نفر اعم از استادان داخلي و خارجي بود. (127)

در سال بعدي 1975 (1354) تشکيل مکاتب و مؤسسات تعليمي و تحصيلي جديد در کشور ادامه يافت. يک تعداد از ليسانسه ها به سه مکتب مسلکي تعديل گرديد. در اين سال انيستيتوت تربيت بدني به سوويه صنف 14 تشکيل يافت. در سال مذکور تعدادي از متعلمين و محصلين کشور براي ادامه تحصيلات با استفاده از بورس هاي تحصيلي به کشور هاي خارج اعزام شدند. جدول زير تعداد مکاتب و ساير مؤسسات عالي آموزشي و تحصيلي، تعداد شاگردان و محصلين دختر و پسر و شمار معلمين و آموزگاران را در سومين سال جمهوريت محمد داود در سال 1975 (1354) نشان ميدهد:

نوع مکتب	تعداد مکاتب			تعداد شاگردان			تعداد معلمين		
	مجموع	اناث	ذکور	مجموع	اناث	ذکور	مجموع	اناث	ذکور
دهاتي	1875	228	1647	141986	17753	124233	2730	25	2705
ابتدائي	1496	191	1305	642582	98042	544540	15832	332	12504
متوسطه	516	51	465	28557	3546	25011	2335	82	2253
ليسه	197	30	167	58980	6308	52672	5090	967	4123
مکاتب تخنيکي و ميخانيکي	6	-	6	2185	-	2185	268	-	268
زراعت	3	-	3	675	-	675	56	-	56
سائرمسلکي	7	1	6	1763	651	1112	148	40	108
مؤسسات تربيه معلم	10	-	10	4033	935	3098	258	17	241
مدارس ديني	18	-	18	3811	-	3811	186	-	186
پوهنتون	12	-	12	7849	752	7097	756	44	712
سائرتعليمات عالي	5	-	5	656	120	536	39	4	35
مجموع	4145	501	3644	893077	128107	764970	27698	4507	23191

(128)

در سال 1976 که پلان هفتساله انکشافی را دولت جمهوری افغانستان طرح کرد، انکشاف معارف يکي از بخش هاي مهم در اين پلان بود. پيش بيني سرمايه گذاري در

این پلان به 207 میلیارد افغانی معادل چهار میلیارد و ششصد میلیون دالر می رسید. از مجموع بودجه انکشافی پیش بینی شده در پلان متذکره ده درصد بودجه برای رشد معارف اختصاص یافت. همچنان در این سال قانون اساسی جمهوری افغانستان تصویب گردید که در ماده دهم آن از توسعه معارف و اهداف آن در دوره های مختلف تعلیمی سخن رفته بود: «تأمین و تعمیم تعلیمات ابتدایی اجباری، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی، مسلکی و عالی به صورت مجانی بمنظور پرورش و اكمال کادرهای علمی و فنی جهت خدمت به مردم.» (129)

بر مبنای پلان هفت ساله انکشافی در حالیکه به انکشاف مکاتب در کشور پرداخته شد تغییراتی در شمار مکاتب با ادغام و ارتقای مکاتب مختلف دهاتی، ابتدایی و متوسطه بمیان آمد. در سال 1976 تعداد مکاتب به 3804 باب می رسید. البته بیشترین تعداد مکاتب را در این رقم، مکاتب دهاتی تشکیل میداد که 1255 باب از مکتب دهاتی یک معلمه و 87 باب از مکتب دهاتی دو معلمه و 384 باب از مکتب دهاتی سه معلمه تشکیل شده بود. باقی مکاتب شامل 1622 مکتب ابتدایی، 256 باب مکتب متوسطه مستقل و 198 باب لیسه می شدند. در سال 1356 (1977) تعداد مکاتب پسران به 3309، تعداد مکاتب دختران به 471 رسید در این مکاتب 847232 شاگرد پسر و 158846 شاگرد دختر تعلیم میکردند. تعداد معلمین در مکاتب پسران 25839 و در مکاتب دختران 4589 نفر بود. (130)

تقلیل شمار مکاتب نسبت به سال قبل به اصلاحاتی بر میگشت که در پلان هفت ساله گنجانیده شده بود. بر مبنای این پلان یک تعداد مکاتب متوسطه با ابتدایی تعدیل یافت، تعدادی از مکاتب دهاتی با هم مدغم گردید و یا به ابتدایی ارتقا نمود. جدول زیر احصائیه مؤسسات تعلیمی را در پایتخت و ولایات کشور در سال های 1355-

1356 (1977-1976) نشان میدهد:

ولایات	دهاتی	ابتدایی مستقل	متوسطه مستقل	لیسه	دارالمعلمین	مدارس دینی	میخانیکی	مسلکی
ارزگان	65	45	6	3	-	-	-	-
بامیان	68	22	7	5	-	-	-	-
بدخشان	124	59	8	6	-	-	-	-
بغلان	60	41	8	8	-	-	-	1
بلخ	111	54	12	8	1	2	-	2
پروان	72	58	14	10	-	-	-	-
پکتیا	61	55	23	13	1	2	1	-
تخار	58	43	3	5	-	-	-	-
جوزجان	59	47	10	5	-	-	-	-
نیمروز	34	20	4	2	-	-	-	-
زابل	32	16	6	2	-	-	-	-
سمنگان	64	23	6	4	-	-	-	-
غزنی	77	68	14	9	-	-	-	-
غوروات	82	30	7	3	-	-	-	-
فاریاب	84	54	3	7	-	3	-	1
فراه	58	34	12	5	-	-	-	1
کابل	34	70	12	8	-	-	-	-
شهرکابل	-	70	8	19	3	3	1	11
کندهار	52	46	4	8	1	2	-	-
کندهار	77	47	10	10	1	2	1	-
لغمان	33	28	8	5	-	-	-	-
لوگر	34	20	11	4	-	-	-	-
ننگرهار	65	28	13	6	1	3	-	1

وردگ	37	25	12	5	-	-	-
هرات	73	71	14	7	1	-	1
هلمند	72	44	11	6	-	-	1
کنرها	82	43	19	7	-	-	-
مجموع	1668	1161	265	180	9	20	3

(131)

علی رغم آنکه به تعداد مکاتب در ولایت مختلف کشور افزوده شد و شمار بیشتر اطفال فرصت شمول در مکاتب را یافتند، اما انکشاف معارف همچنان انکشاف متوازن نبود؛ هرچند که گام های بلندی در این مورد برداشته شد. جدول زیر تعداد مکاتب، شاگردان و معلمین را در سال 1357 (1978) آخرین سال جمهوریت محمد داود نشان میدهد:

نوع مکاتب	تعداد مکاتب			تعداد شاگردان			تعداد معلمین	
	پسر	دختر	مجموع	پسر	دختر	مجموع	مرد	زن
دهاتی	1094	159	1253	77544	11776	89320	1731	14
ابتدایی	1882	284	2166	712450	141017	853467	25644	5459
متوسطه	108	11	119	6434	378	6812	365	50
لیسه	175	32	207	74241	13954	88195	3383	732
مجموع	3259	486	3746	870669	167125	1037794	31123	6255

(132)

در دوره جمهوریت زمینه برای تعلیم و تحصیل زنان بیشتر مساعد گردید. شمار شاگردان اناث در مکاتب ابتدایی و ثانوی که در سال 1970، 90,893 تن بود تا سال 1978 به 120167 تن رسید. همچنان تعداد دانش آموزان و دانشجویان دختر در مؤسسات آموزشی مسلکی و تحصیلی به شمول تربیه معلم که در سال 1970 به 1,135 تن بالغ می گردید، در سال 1977 به 4,684 تن افزایش یافت. البته این تعداد بیشتر در پایتخت کشور و مراکز ولایات به خصوص مراکز چند ولایت معدود شامل مکاتب بودند در حالیکه دختران هنوز در بسیاری از مناطق اطراف و روستایی کشور از رفتن به مکتب در محرومیت به سر میبردند و توسعه مکاتب دخترانه در این مناطق بسیار بطی و آهسته صورت میگرفت. جدول زیر رشد تعلیمات اناث را در تعلیمات عمومی و تعلیمات مسلکی و عالی در سالهای 1970، 1975 و 1980 نشان میدهد:

سال	تعلیمات ابتدایی	تعلیمات ثانوی	تعلیمات مسلکی	تربیه معلم	تعلیمات عالی
1970	76,143	14,750	477	249	1,135
1975	115,795	19,870	651	826	1,681
1980	198,560	26,130	-	2,636	5,000
مجموع	390,499	60,750	1,128	3,702	7,816

(133)

توجه به سواد آموزی و امور کودکانها یکی دیگر از گام های دولت جمهوری در عرصه معارف بود. در حالیکه اداره سواد حیاتی از قبل در چهار چوب وزارت معارف افغانستان ایجاد شده بود، اما در سالهای ریاست جمهوری محمدداود بیشتر از گذشته به فعالیت پرداخت. در این سالها اداره مذکور در بسیاری از دواير و دفاتر دولتی در پایتخت و ولایات اقدام به تدویر کورس های سوادآموزی کرد.

در سال 1976 تربیه معلمین مسلکی برای کودکانها رویدست گرفته شد. به این منظور پروگرام تربیه معلمین کودکان به سوئه صنف 13 و 14 در اکادمی تربیه معلم دایر گردید.

تعلیمات مسلکی و تخنیکی در دوره جمهوریت محمداود رشد و گسترش بیشتر یافت. جدول زیر مکاتب مسلکی و تخنیکی کشور را با تعداد شاگردان پسر و دختر و معلمین آن مکاتب در سال 1357 (1978) نشان میدهد:

نوعیت مکاتب	تعداد مکاتب			تعداد شاگردان			تعداد معلمین		
	پسر	دختر	مجموع	پسر	دختر	مجموع	مرد	زن	مجموع
مکاتب تخنیکی	3	-	3	194 3	1	1944	198	4	202
مکاتب میخانیکی	4	-	4	163 0	23	1653	210	-	210
مکاتب زراعتی	7	-	7	364 9	-	3649	190	-	190
سایر مکاتب مسلکی	10	2	12	229 0	258 2	4872	164	126	290
مدارس دینی و دارلحفاظها	20	-	20	458 8	-	4588	240	-	240
مجموع	44	2	46	141 00	260 6	16706	100 2	130	1132

(134)

تعلیمات عالی در سالهای جمهوریت نیز انکشاف بیشتر یافت. به ویژه پس از اصلاحات سال 1974 در سیستم معارف، شمار بیشتر فارغان دوره ثانوی به پوهنتون و سایر مراکز تحصیلات عالی جذب شدند. در حالیکه در سال 1970 مجموع محصلین ذکور و انات در دانشگاه یا پوهنتون کابل و تمام مؤسسات عالی خارج از پوهنتون به 7,832 تن بالغ میگردد، این شمار در سال 1977 آخرین سال جمهوریت محمداود به 147,16 تن رسید. (135)

ادامه دارد